

## نقش وکلای دادگستری در تحقق عدالت قضایی در پرونده‌های کیفری

فرحناز بهامین

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه

### چکیده

هدف دستگاه قضا در نهایت، عدالت قضایی در روابط میان افراد جامعه و احقاق حقوق آنها می‌باشد؛ اینجاست که وکیل می‌تواند با مشارکت موثر در پرونده‌های کیفری هم به دستگاه قضا و قضات در داوری عادلانه کمک نماید و هم به احقاق حقوق متهم یاری رساند و بوسیله همکاری با قضات برای تأمین همه جانبه عدالت قضایی خصوصاً در پرونده‌های کیفری گام بردارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش وکلا در تحقق عدالت قضایی در پرونده‌های کیفری به نگارش درآمده است. این پژوهش بر حسب هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. برای دستیابی به داده‌های پژوهش و استخراج عوامل از تحلیل محتوا استفاده شده و بر اساس دیدگاه متخصصین (جامعه نمونه) در فرایند تحلیل شبکه (ANP) اولویت بندی عوامل انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آنست که برپایه این اولویت‌بندی، "نظارت بر اجرای قوانین طی فرآیند قضاوت جهت تضمین حسن اجرای قوانین و حفظ حقوق متهم (A)" با بالاترین امتیاز (۰/۹۹۵) به عنوان برجسته‌ترین عامل و نقش وکیل مدافع در جهت تحقق عدالت قضایی در پرونده‌های کیفری مشخص شد. همچنین عامل "کمک به قضات در صدور رای مبتنی بر مستندات قانونی بر اساس تبیین نظام حقوقی در مقابل ادعاها (M)" نیز با (۰/۹۸۱) به عنوان عامل دوم از لحاظ تاثیرگذاری انتخاب گردید.

**واژگان کلیدی:** وکلای دادگستری، عدالت قضایی، پرونده کیفری

## مقدمه

اصل الزامی بودن شرکت وکیل در کلیه مراحل دادرسی‌های کیفری در مقررات موضوعه اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان به عنوان یکی از اساسی‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است (فضائی، ۱۳۸۷: ۴۲) و حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری یکی از جلوه‌های بنیادین حقوق شهروندی به شمار می‌رود؛ زیرا بهره‌مندی متهمان از داشتن وکیل گزینشی و رایگان در همه مرحله‌های فرآیند کیفری از جمله سبب کاهش جنبه تفتیشی فرآیند کیفری و سپری شدن دقیق و درست تر این مرحله‌ها می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۳). دادرسی‌های کیفری زمانی می‌تواند در مسیر درست حرکت کنند که کلیه معیارهای دادرسی عادلانه در تمام مراحل لازم‌الاجرا باشد. اشخاص به‌ویژه زمانی که به‌عنوان مظنون و برای بار اول نزد ضابطین دادگستری حاضر می‌شوند، چنان از حالت روحی غیرعادی و نگرانی برخوردارند که قادر به درک جایگاه بازجویی نیستند. همین امر ضرورت حضور وکیل را بیش از پیش آشکار ساخته است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۴).

وکلا با استفاده از تخصص و تجربه‌های حقوقی خود، به دفاع از حقوق موکلان (خواه بزه دیده و خواه متهم / بزه‌کار) مبادرت می‌ورزند تا نظام عدالت کیفری، با توجه به دفاعیات اظهارنظرهای وکلا و برابرسازی سلاحهای کیفری تصمیم‌گیری کنند (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۶). کارکرد سنتی وکیل تنها دفاع از حقوق موکل در سراسر فرآیند کیفری، در صورت فراهم شدن دفاع توسط مقام قضایی است. اما امروزه این کارکرد تحت تأثیر جنبش‌های نوپدید عدالت کیفری به خصوص نهضت عدالت ترمیمی و پس روی کیفری تا اندازه‌ای تغییر کرده، جنبه‌های جدیدی به خود گرفته است. این ابعاد جدید، به رسالت وکیل، در پهنه عدالت کیفری، گاه ماهیت سازشی - ترمیمی و گاه جنبه سازشی - توافقی داده است. چنان که وکیلان در پرتو این کار کردهای نوپدید می‌توانند در زمینه چگونگی و ماهیت تصمیم‌گیریها مشارکت داشته باشند (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

حضور وکیل در قلمرو عدالت کیفری، آن چنان پراهمیت است که سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم/بزه‌کار و بزه دیده گنجانده‌اند. در پهنه سیاست جنایی ملی نیز اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸، شاخص‌ترین و بنیادی‌ترین مبنای این حق است، که در پرتو آن حتی دولت ملکف شده امکانات مناسب را به منظور دسترسی همگان به این حق، فراهم نماید (هاشمی، ۱۳۹۷: ۳۰۷). قانونگذار ایرانی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی با تدوین بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی به حمایت کیفری از حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری مبادرت ورزیده است. مطابق ماده ۵۷۰ این قانون، هر گاه یکی از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (گلشن پژوه، ۱۳۸۲: ۴۵).

بر اساس آنچه بیان شد، داشتن حق وکیل در امور کیفری و پرونده‌های کیفری از اساسی‌ترین حقوق متهم می‌باشد. زیرا وکیل بر اساس تخصص خویش و تجربه‌های قبلی می‌تواند در مسیر احقاق حقوق متهم گام بردارد؛ زیرا هدف دستگاه قضا نیز در نهایت، عدالت قضایی در روابط میان افراد جامعه و احقاق حقوق آنها می‌باشد؛ اینجاست که وکیل می‌تواند با مشارکت موثر در پرونده‌های کیفری هم به دستگاه قضا و قضات در داوری عادلانه کمک نماید و هم به احقاق حقوق متهم<sup>۱</sup> یاری رساند و بوسیله تعاون و همکاری با قضات برای تأمین همه جانبه عدالت قضایی گام بردارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف کلی ارزیابی نقش وکلا در تحقق عدالت قضایی در پرونده‌های کیفری به نگارش درآمده است.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر بر حسب هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده است. جهت نگارش محتوای مرتبط با بحث و همچنین، جهت بدست آوردن داده‌های مندرج در یافته‌ها که در فرآیند تحلیل شبکه<sup>۲</sup> و نرم افزار Super Decision انجام گرفته است، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است بدین صورت

<sup>۱</sup> بر فرض بیگناهی متهم

<sup>۲</sup> ANP

که با تحلیل محتوای مقالات مرتبط با موضوع، سایت های تخصصی، کتب مرتبط، مجلات و بریده روزنامه ها، کدهای مرتبط استخراج گردیده است. از روش میدانی نیز برای امتیازدهی و اولویت بندی عوامل استخراج شده استفاده شده است. بدین صورت که از نظرات ۴ نفر متخصص حقوقی در رابطه با امتیازبندی عوامل استفاده شده است.

## یافته‌ها

### – حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مراجع کیفری

در قوانین اساسی کشورهای جهان از جمله کشور ما و همچنین مقررات شکلی حاکم بر دادرسی در امور کیفری، اوصاف دادرسی عادلانه شامل حق اعتراض، تجدید نظرخواهی، حق اطلاع از اتهام، حق داشتن مترجم و حق دفاع به عنوان حقوق اصحاب دعوا، به ویژه متهم پذیرفته شده است، البته در برخی از کشورها حق سکوت نیز به این حقوق افزوده می شود. در اسناد و مقررات متعدد بین المللی بر حق استفاده متهم از معاضدت وکیل دادگستری در طول دادرسی تأکید و تصریح دارد که هر شخص بازداشت شده حق دارد از یک وکیل قانونی برخوردار گردد. اصل ۱ از مجموعه اصول اساسی در نقش وکلا مقرر می دارد: همه انسانها حق دارند به انتخاب خود وکیل برگزینند تا از حقوق آنها حمایت و در تمام مراحل دادرسی کیفری از آنها دفاع کند. این حق تا آنجا اهمیت دارد که در اسناد معتبری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی های اساسی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی به دفعات پیش‌بینی کرده است (مهدوی پور و نقیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

از جمله در موارد مختلفی از اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله مواد ۵، ۱۱-۸ به حقوق متهم در جریان یک دادرسی عادلانه اشاره شده است. بند ۱ اصل ۱۷ مجموعه اصول مقرر می دارد «هر شخصیت بازداشت شده باید حق برخورداری از یک وکیل را داشته باشد و مقام صالح باید بلافاصله پس از دستگیری او را از این حق مطلع گرداند و امکانات معقولی برای اعمال آن باید به وی داده شود». میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکا و کنوانسیون اروپا صراحتاً به این نکته که شخص در مراحل قبل از دادرسی از حق برخورداری از کمک یک وکیل برخوردار است، اشاره نمی کنند، اما کمیته حقوق بشر، کمیسیون بین آمریکایی و دادگاه اروپا همگی به صراحت بیان می دارند که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مستلزم دسترسی به یک وکیل در طول بازداشت، بازپرسی و تحقیقات مقدماتی است. کمیته حقوق بشر مقرر می دارد که همه اشخاصی که دستگیر می شوند باید دسترسی فوری به وکیل داشته باشند. کمیسیون بین آمریکایی نیز مقرر می دارد که حق دفاع از خود مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود که در هنگام بازداشت از حمایت قانونی برخوردار گردد. در نتیجه قانونی که دسترسی به وکیل را در طی بازداشت و تحقیقات از متهم منع می کند می تواند به طور جدی تجاوز کننده و ناقض حقوق دفاعی باشد. به طور مشابه، دادگاه اروپا اعلام کرده که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه به طور معمول مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود در طول مراحل اولیه تحقیقات پلیس از وکیل استفاده کند. همچنین در حقوق داخلی تعداد زیادی از کشورها نیز این حق برای متهم در مرحله بازجویی و تحقیقات مورد شناسایی قرار گرفته است به طوری که به متهم تذکر داده می شود که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود، از پاسخ دادن به پرسش ها امتناع ورزد (آخوندی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

همچنین حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی برای اولین بار در قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۳ در کانتون نوشاتل سوئیس مقرر گردید. در فرانسه نیز اولین بار قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۷ به متهم اجازه داد که از لحظه اولین احضار بازپرسی بتواند وکیل داشته باشد و به موجب ماده ۳ این قانون بازپرس باید قبل از بازپرسی متهم را از داشتن این حق مطلع کند. مقررات این ماده بعداً در ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و هم اکنون در ماده ۱۱۴ قانون جدید ۱۹۹۳ منعکس شده است. در ایالات متحده آمریکا مطابق رأی سال ۱۹۶۰ دیوان عالی در پرونده Map V.Hio مقرر شد هر فردی که توسط اداره پلیس تحت بازجویی قرار گیرد، حق برخورداری از یک وکیل را داراست. همچنین بر اساس رأی مشهور دیوان عالی ایالات در سال ۱۹۶۶ در قضیه Miranda V.Arizona قواعد متعددی در خصوص بهره مندی متهم از وکیل در مرحله بازجویی و تحقیقات به وجود آمد، به طوری که حتی مقرر شد عدم درخواست معاضدت وکیل از سوی متهم به معنی انصراف از درخواست این حق نیست و انصراف هنگامی اعتبار دارد که متعاقب اعلام پلیس، صریحاً اظهار شود (مهدوی پور و نقیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۶۲).

در حقوق داخلی ایران نیز اصل ۳۵ قانون اساسی، حق داشتن وکیل را در تمامی دادگاهها لازم دانسته است. قانون انتخاب وکیل توسط

اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز متضمن حق تعیین وکیل و تکلیف مراجع برای پذیرش آن می باشد. مطابق بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ دادرها مکلفند حق دفاع متهم و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم سازند. بالاخره در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ در راستای تعهدات بین المللی و به منظور اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی ج.ا. و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات مؤثر حقوقی هر یک از اصحاب دعوی در موارد مختلف به ویژه در مواد ۵، ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶-۳۴۸ متضمن انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای احکام قضایی بوده و حتی مواردی همچون ابلاغ و تعمیم حق استفاده از وکیل به متهم پیش از شروع تحقیق، حق مطالعه پرونده توسط وکیل و دخالت مؤثر او در امر تحقیق و به خصوص مجازات انتظامی درجه ۳ و ۸ به واسطه سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را نیز به رسمیت شناخته و النهایه مورد شناسایی قرار داده است.

### – عدالت قضایی

باید توجه داشت که «عدالت قضایی، متفاوت از «عدالت کیفری» است. در حقیقت عدالت کیفری این هدف را پی می گیرد که کیفر و مجازات بر اساس عدالت باشد، اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پی گیری عدالت در مرحله قضاوت و پس از آن است (تسخیری، ۱۳۸۹: ۶۹). از «برنارد بورک<sup>۳</sup>، در تعریف عدالت کیفری نقل شده است که عدالت کیفری مقایسه زبانهای وارد بر جامعه با خطای اخلاقی با قابلیت سرزنش مرتکب و تعیین میزان کیفر و اجرای آن است.

کیفر عادلانه زمانی وضع خواهد شد که شخصیت مجرم و آسیب های وارده بر جامعه شناخته شود. بدین منظور لازم است که شخص قانونگذار با دستگاه قضایی، به نیابت از او قابلیت مرتکب و تناسب مجازات با آن قابلیت را تشخیص و مجازات لازم را اعمال کند. در برخی مجازاتها، مانند حدود، قصاص و دیات؛ شارع مقدس شخصا کیفر عادلانه را براساس شناخت کامل خود از آسیب های وارده بر جامعه و مرتکبین این قبیل جرایم وضع کرده است (اسدی، ۱۳۸۴: ۳۸). این در حالی است که عدالت قضایی بدین معناست: «پس از ارتکاب جرم یا تضییع حق، مجریان عدالت، عدالت را دربارهی اصحاب دعوا اعمال کنند. هر عملی که مانع پیاده سازی عدالت در حوزه قضایی باشد، اعم از مرحله تعقیب تا اجرای حکم، جرم علیه عدالت قضایی نامیده می شود. بنابراین، جرائمی که پس از ارتکاب جرم یا پس از تضییع حق، مانع از اجرای عدالت درباره طرفین دعوا با مرتکبین جرم شود؛ جرایم علیه عدالت قضایی نامیده می شود. مانند اعمال نفوذ در اجرای حکم دادگاه .

در حقیقت عدالت قضایی، بر خلاف عدالت کیفری که بیشتر به قانون بر می گردد؛ ارتباط مستقیمی با اجرای قانون دارد. از این روست که دکتر آخوندی، عدالت قضایی را به اجرای قانون تعریف کرده است. دکتر بهمن کشاورز در تعریف عدالت قضایی گفته است: "عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان و بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی با موقعیت اجتماعی با وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاه ها استفاده کنند. این معنا از اصول ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی استنباط می شود (همان، ۴۱).

عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شده و نظام دادگستری به شکل کار آمدی فعالیت کند. برای رسیدن به عدالت قضایی قانونگذاران کشورها اقدام به جرم انگاری اعمالی نموده اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد می نمایند. جرایمی که در روند عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می کنند و آن را کند نموده یا مانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند، نیز همواره مورد توجه متولیان سیستم عدالت کیفری بوده است؛ به گونه ای که برخی کشورها فصلی را در قانون جزای خود به این جرایم اختصاص داده اند. در واقع در این موارد ارزشی تحت عنوان «عدالت قضایی، مورد حمایت قرار گرفته و انجام اعمال مغایر با آن با واکنش اجتماعی تحت عنوان کیفر رو به رو خواهد شد (همراهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶۴).

<sup>3</sup> Bernard Burke

## – کارکردهای وکیل در قلمرو عدالت قضایی و کیفری

### ۱. کارکرد سیاست گذاری

آشنایی وکیل با آموزه های علمی حقوقی، مقررات و رویدها، سیاست های قضایی سبب شده تا وی بتواند از منظر خود و طبیعتا با تکیه بر اطلاعات دانسته هایش و تجربه هایی که به موجب حضور در فرآیند کیفری به دست می آورد، به سنجش سیاست تقنینی و قضایی مبادرت ورزد. این ارزیابی می تواند به نوبه خود در متحول سازی سیاست جنایی در سطح های مختلف نقش آفرین باشد. به هر رو، وکیل با حضور در مرحله های متعدد فرآیند کیفری و دقت نظر در ابعاد مختلف سیاست قانونگذار به چالش های فراروی آن و ایهام هایی که در چگونگی پاسخ دهی به بزهکاری به وجود می آورد، پی می برد. کارکرد سیاست گذاری وکیل به تأثیرگذاری وی بر سیاست های مقنن محدود نمی شود، بلکه می تواند به شکل های مختلف در شکل گیری و تغییر رویه ها و سیاست های قضایی نقش ایفاء کند. به هر رو، وکیل هنگام تدوین لایحه دفاعیه با شناسایی مشکلات ناشی از رویدها و سیاست های جاری قضایی می تواند پیشنهادهای اصلاحی خود را به صورت مستدل و مبتنی بر آموزه های علمی ارائه دهد (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

### ۲. کارکردهای دفاعی – جانشینی

سنتی ترین کارکرد وکیل این است که وی به عنوان جانشین موکل به دفاع از حقوق او مبادرت می ورزد. این کارکرد وکیل در تعریف قانونگذار از وکالت کاملا پیداست. مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی ۱۳۰۷ «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید». بدین سان، وکیل در همه عرصه ها در چارچوب اختیاراتی که دارد، می تواند به نمایندگی از موکل در جهت منافع و مصالح وی اقدام نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۳۸). این کارکرد وکیل در میان سایر کارکردها از اهمیت بسزایی برخوردار است. از همین رو، تدوین کنندگان سند اصول بنیادین نقش وکلا ۱۹۹۰ از رهگذر بندهای ب و ج ماده ۱۳ و ماده ۱۴ دفاع از حقوق موکل را بعنوان یکی از وظایف بنیادی وکیل معرفی کرده اند. این رویکرد از سوی سیاست گذاران جنایی ایران نیز مورد توجه واقع شده است. تبصره های ماده ۲۸ قانون وکالت ۱۳۱۵- که بر اهمیت حضور وکیل در جلسه های دادرسی تأکید دارد، نخستین نمونه این توجه بشمار می رود. علاوه بر این، ماده ۴۱ و تبصره ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹)، مواد ۶۹ و ۱۹۰ بندهای ۱، ۳ و ۵ ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) نمونه هایی از اشاره مقنن به این کارکرد وکیل است. در عرصه سیاست جنایی ایران کارکرد جانشینی – دفاعی وکیل به رسمیت شناخته شده، بر همین اساس وی باید به نمایندگی از موکل، در راستای دفاع از حقوق او گام بردارد.

### ۳. کارکرد آموزشی – اخلاقی

#### آگاه سازی موکل

موکل (اعم از متهم / بزهکار یا شاکی – بزه دیده) طرف اصلی دعوای کیفری است. در نتیجه، همه پیامدهای دعوای از آن وی خواهد بود. از همین رو، موکل حق دارد نسبت به چگونگی طرح دعوای کیفری، پیگیری آن، پاسخ دهی به دیگر نقش آفرین این دعوای، حقوق و محدودیت هایش در سراسر فرآیند کیفری، سرنوشت دعوای کیفری و حتی هزینه های مربوط به اینگونه دعوای اطلاعات کافی داشته باشد. این آگاه سازی سبب می شود تا موکل با در نظر گرفتن کلیه ابعاد در راستای اقامه دعوای کیفری و پاسخ دهی به آن گام بردارد. علاوه بر این، آگاه سازی موکل چارچوب توقعات / انتظاراتی او از وکیل و نیز نظام عدالت کیفری را مشخص کرده و بر همین اساس موکل امکان ارزیابی منطقی از عملکرد وکیل و کارگزاران عدالت کیفری را می یابد (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در گستره سیاست جنایی بین المللی این وظیفه وکیل در بند الف ماده ۱۳ اصول بنیادین نقش وکلا ۱۹۹۰، مورد شناسایی قرار گرفته و مطابق این بند وکیل مکلف شده به ارائه نظر مشورتی به موکل در خصوص حقوق و تکالیف آنان و چگونگی کارکرد نظام حقوقی مبادرت ورزد. این کارکرد در پهنه سیاست جنایی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده ۴۵ قانون وکالت ۱۳۱۵ «وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوای موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می نمایند، به موکل خاطرنشان نمایند».



## وفاداری و کیل

یکی دیگر از تکالیف وکیل، وفاداری وی به موکل می‌باشد. بر این اساس، وکیل وظیفه دارد در همه مرحله های فرآیند کیفری نسبت به منافع مصالح موکل حساسیت داشته باشد. وفاداری وکیل به موکل می‌تواند به شکل‌های مختلفی متبلور شود. ۱- حفظ اسرار موکل؛ اطلاعات موکل جنبه محرمانه داشته و بر همین اساس وکیل مکلف به حفظ آنها برای همیشه می‌باشد. بر پایه ماده ۱۵ «وکیل باید همواره به منافع موکلان خود احترام گذارند و به آن وفادار باشند». همین رویکرد از سوی قانونگذار ایران نیز اتخاذ شده است. به موجب ماده ۳۰ قانون وکالت ۱۳۱۵ «وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید» (کوشا، ۱۳۸۹: ۳۴). ۲- تبانی نکردن علیه موکل، از دیگر جلوه های وفاداری وکیل به موکل است. بر این اساس، وکیل مکلف است همواره به حقوق موکل توجه داشته و از تبانی با طرف دیگر دعوای کیفری برای سود بیشتر خودداری ورزد. این مقوله در ماده ۱۵ سند مذکور مورد توجه قرار گرفته است. در پهنه سیاست جنایی ایران نیز این الزام به رسمیت شناخته شده و قانون گذار ایران در ماده ۴۱ قانون وکالت ۱۳۱۵ به آن اشاره نموده است.

## ۴. کارکرد سازشی

### کارکرد سازشی - ترمیمی

رویکرد عدالت کیفری در شکل سنتی خود تا دهه ۶۰م بر عرصه عدالت کیفری استیلا داشت، تا اینکه در آن زمان با پیدایش جنبش حمایت از بزه دیده، تغییر جهتی در این پهنه پدید آمد و خواسته‌های زیان‌دیده بزهکاری مورد توجه واقع شد (Robert, 2000: 268). به گونه‌ای که نظام عدالت کیفری تحت تاثیر این رویکرد جنبه سازشی- ترمیمی پیدا کرد و به شکل‌های مختلف در عرصه عدالت کیفری نمایان گردد. ۱. عدالت ترمیمی، گونه نوپدیدی از الگوی عدالت است که به موجب آن نقش‌آفرینان دعوای کیفری با یکدیگر در زمینه چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاری تصمیم‌گیری می‌کنند (Johnston, 2002: 15). در قلمرو عدالت ترمیمی نظر بزه‌دیده در تعیین سرنوشت دعوای کیفری نقش بنیادی ایفا می‌کند. ۲. بزه‌دیده مداری عدالت کیفری سنتی، در سوگیری جدید عدالت کیفری بزه‌دیده هویت پیدا کرده و بر گزینش و اجرای شماری از پاسخ‌های عدالت کیفری خواست اراده خود را تحمیل می‌نماید (زهر، ۱۳۸۳: ۲۸). پیداست که اینگونه تحولات، در آرایش عدالت کیفری برای پاسخ‌دهی به بزهکاری تغییرهایی را پدید آورده است؛ به گونه‌ای که کیفر صرفاً به‌عنوان یکی از انواع ضمانت اجرای سیاست جنایی مورد استفاده قرار گرفته و در کنار آن پاسخ‌های دیگری مانند ضمانت اجرای ترمیمی نیز به رسمیت شناخته شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۹). همین تغییر جهت، در عرصه عدالت کیفری به ایجاد تحول در زمینه خصوص کارکرد وکیل، در این قلمرو انجامیده است. به این صورت که دیگر وکیل نباید فقط به دنبال تلاش در جهت اثبات بزهکاری و به کیفر رسانیدن مجرم باشد، بلکه باید با رویکردی جدید به برقراری سازش میان طرفین دعوای کیفری مبادرت ورزد. در نظام کیفری ایران این رویکرد در ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری ۱۳۵۶ شناسایی گردیده است.

### کارکرد سازشی - توافقی

عدالت کیفری در شکل سنتی جنبه عمودی یک سویه دارد. از این حیث دست اندرکاران عدالت کیفری باید پس از احراز بزهکاری درصدد پاسخ‌دهی به بزهکار برآیند؛ بدون اینکه نظر تحمل‌کننده ضمانت اجرای عدالت کیفری یعنی، بزهکار را جویا شوند. به این ترتیب، نظام عدالت کیفری در این بستر با رویکردی یکجانبه و بی‌اعتنا به نظر متهم/بزهکار به دنبال تعیین سرنوشت دعوای کیفری بود. این رویکرد بر قلمرو عدالت کیفری استیلا داشت تا اینکه در اثر پیدایش تغییرهای جدید در این گستره «راهبرد توافقی شدن حقوق کیفری» از سوی سیاست‌گذاران جنایی به رسمیت شناخته‌شد. به موجب این راهبرد کارگزاران عدالت کیفری می‌توانند در خصوص شماری از گونه‌های بزهکاری و نسبت به تعدادی از بزهکاران نظر بزهکار را برای اجرای بعضی روشها مورد توجه قرار دهند. بر پایه این راهبرد پاسخهای عدالت کیفری، به موجب توافق متهم/بزهکار با دست‌اندرکاران عدالت کیفری، تعیین می‌گردد. شناسایی این راهبرد در سیاست جنایی گستره کارکرد وکیل را متحول، و بدین جهت باید در ایجاد توافق میان متهم/بزهکاری با کارگزاران عدالت تلاش کند.

## یافته‌ها

رعایت حقوق جامعه، بزه دیده و متهم از اهم اهداف اجرای قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری) است، که از لوازم اعمال قانون فوق (ماده ۷ از قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر بر بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ که با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقید گشته است)؛ در توضیح مواد ۳ و ۵ قانون آیین دادرسی کیفری که به ترتیب می گوید: مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند و متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود می توان گفت، بی تردید حضور وکیل مدافع در فرایند تحقیقات مقدماتی و حتی دادرسی عادلانه در پرونده های کیفری می تواند تامین کننده منظور قانونگذار باشد.

در این بخش و در بخش یافته های پژوهش، بر همان اساس که در روش تحقیق نیز اشاره گردید، با استفاده از روش کتابخانه ای و با تحلیل محتوای مقالات مرتبط، کتب، مجلات و روزنامه، سایت های تخصصی و مصاحبه افراد خبره حقوقی، تعدادی عامل استخراج گردید و در وهله بعد، بوسیله نظرخواهی از متخصصین مرتبط با موضوع پژوهش، اقدام به وزندهی و اولویت بندی این عوامل گردید تا مشخص گردد که کدام عوامل نسبت به دیگر عوامل اولویت دارند. بر همین اساس عوامل در پرسشنامه فرایند تحلیل شبکه بوسیله ۴ نفر از متخصصین وزندهی شده و در نرم افزار Super Decision مورد تحلیل قرار گرفتند.

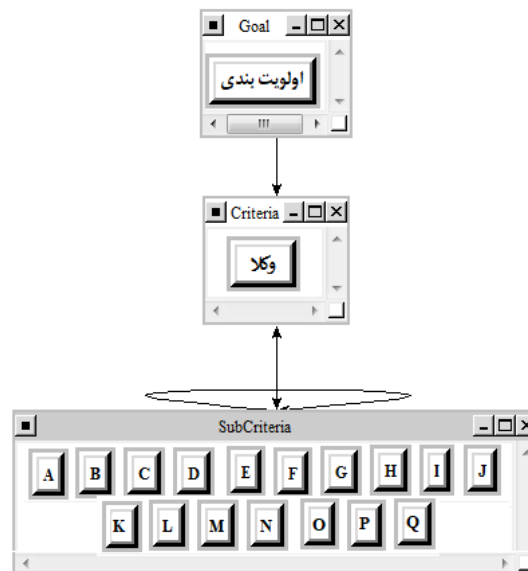
جدول ۱. عوامل استخراج شده

کد	عامل
A	نظارت بر حسن اجرای قوانین طی فرآیند قضاوت جهت تضمین حسن اجرای قوانین و حفظ حقوق متهم.
B	جلوگیری از انتخاب های بیراهه توسط موکل در پروسه های رسیدگی غیرضروری پرونده های کیفری.
C	اطلاع کامل از موضوع اتهامات و آشنایی کامل با متهم جهت دفاع شایسته.
D	تاثیر مثبت بر قاضی از طریق ساده سازی مسائل حقوقی پرونده های کیفری.
E	جلوگیری از تطویل فرآیند دادرسی کیفری از طریق روشن کردن حدود و ثغور اتهام، وزانت ادله بالفعل و نیز ایجاد فضای تحویل دلیل در مورد ادله بالقوه برای مقام قضایی.
F	امانت داری و حفظ اسرار متهم در پرونده کیفری.
G	خارج کردن فرد بی گناه از مظان اتهام.
H	اتخاذ راهکارهای صحیح، منطبق با واقعیات و ضروریات قضایی - اجتماعی به دور از هرگونه شتابزدگی.
I	برقراری توازن و تحقیق اصل تساوی سلاحها در جریان دادرسی کیفری در تحقیقات مقدماتی.
J	فراهم کردن زمینه و فرصت برای دفاع متهم در برابر اتهامات انتسابی.
K	شفافیت در طرح دعوا در پرونده های کیفری و افزایش سرعت دادرسی با رعایت اصول عادلانه قضایی.
L	کاهش جنبه تفتیشی فرآیند کیفری و سپری شدن دقیق تر مراحل.
M	کمک به قضات در صدور رای مبتنی بر مستندات قانونی بر اساس تبیین نظام حقوقی در مقابل ادعاها.
N	فراهم ساختن زمینه مصالحه موکل با مقام های قضایی در پرونده های کیفری.
O	آموزش به موکل در پرونده های کیفری.
P	کاشف و محامی حق و قانون بودن.
Q	تلاش برای ایجاد ساز و مصالحه در مرحله پیش از اقامه دعوای کیفری.

مأخذ: مهدوی پور و تقی بی، ۱۳۹۵؛ نیازپور، ۱۳۹۰؛ نیازپور، ۱۳۸۶؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۵؛ همراهی و همکاران، ۱۳۹۶؛

نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹؛ سایت های تخصصی حقوق؛ مصاحبه های خبرگان حقوقی (سایت و روزنامه).

وزندهی و اولویت بندی عوامل در مدل ANP انجام گرفته است. در فرآیند تحلیل شبکه، اندازه گیری مقادیر اهمیت نسبی به مانند فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با مقایسه های زوجی و به کمک طیف ۱ تا ۹ انجام می شود که در آن ۱ نشان دهنده اهمیت یکسان بین دو عامل و عدد ۹ نشان دهنده اهمیت شدید یک عامل نسبت به عامل دیگر است (Tuzkaya et al, 2007: 14). برای حل مساله با این روش ابتدا باید شبکه ای از اهداف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه ها و روابط بین آنها شناسایی و رسم شده و در گام بعدی همه مقایسه های زوجی انجام گردد. ارتباطات در یک شبکه به وسیله کمان نشان داده می شود؛ جایی که "جهت کمان ها" دلالت بر "جهت همبستگی" دارد (Yuksel & Metin, 2007: 368). شکل ۱، چگونگی ارتباط عوامل را در مدل ANP و نرم افزار Super Decision نشان می دهد.



شکل ۱- ساختار مدل ANP در نرم افزار Super Decision جهت اولویت بندی عوامل استخراج شده (مأخذ: نگارنده)

در این بخش، عوامل بر اساس درجه اهمیت و درجه تأثیری که در رسیدن به هدف دارند، وزن بندی شده اند. نحوه مقایسه معیارها با یکدیگر به صورت مقایسه زوجی و بر اساس جدول ۹ کمیته ساعتی بوده است. در این بخش، وابستگی درونی هر کدام از معیارهای چهارگانه نسبت به معیارهای دیگر محاسبه شده که نتایج کلی آن برای هر کدام از عوامل در جدول ۲ آمده است. خروجی نهایی و در اصل ماحصل فرآیند تحلیل شبکه در پژوهش حاضر، اولویت بندی راهکارها می باشد. برپایه این اولویت بندی، "نظارت بر حسن اجرای قوانین طی فرآیند قضاوت جهت تضمین حسن اجرای قوانین و حفظ حقوق متهم (A)" با بالاترین امتیاز (۰/۹۹۵) به عنوان برجسته ترین عامل و نقش وکیل مدافع در جهت تحقق عدالت قضایی در پرونده های کیفری مشخص شد. همچنین عامل "کمک به قضات در صدور رای مبتنی بر مستندات قانونی بر اساس تبیین نظام حقوقی در مقابل ادعاها (M)" نیز با (۰/۹۸۱) به عنوان عامل دوم از لحاظ تاثیرگذاری انتخاب گردید. اولویت بندی عوامل و ارجحیت شان نسبت به هم در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. اولویت بندی عوامل استخراج شده در رابطه با نقش وکیل در تحقق عدالت قضایی در پرونده های کیفری (ANP)؛ (مأخذ: نگارنده)

رتبه	وزن	معیار	رتبه	وزن	معیار	رتبه	وزن	معیار
۲	۰/۹۸۱	M	۶	۰/۸۰۳	G	۱	۰/۹۹۵	A
۱۷	۰/۴۸۹	N	۱۶	۰/۵۰۶	H	۵	۰/۸۱۲	B
۱۵	۰/۵۲۶	O	۷	۰/۸۰۱	I	۱۱	۰/۶۴۲	C
۱۴	۰/۵۳۰	P	۱۲	۰/۶۲۱	J	۴	۰/۸۲۲	D
۸	۰/۷۴۴	Q	۳	۰/۹۰۳	K	۱۰	۰/۶۵۱	E
-	-	-	۱۳	۰/۶۱۵	L	۹	۰/۷۰۷	F
A-M-K-D-B-G-I-Q-F-E-C-J-L-P-O-H-N						اولویت		



## نتیجه گیری

حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری یکی از جلوه های بنیادین حقوق شهروندی و عدالت قضایی به شمار می رود؛ زیرا بهره مندی متهمان از داشتن وکیل در همه مراحل فرآیند کیفری از جمله سبب کاهش جنبه تفتیشی فرآیند کیفری و سپری شدن دقیق تر این مراحل می شود. قدر مسلم است دادرسی های کیفری زمانی می تواند در مسیر درست حرکت کنند که کلیه معیارهای دادرسی عادلانه در تمام مراحل لازم الاجرا باشد و در این میان وجود یک وکیل متعهد و با دانش و تجربه، می تواند زمینه دفاع متهم از خود و شفاف تر شدن جریان قضایی را فراهم کند تا نظام عدالت کیفری، با توجه ادله و دفاعیات وکلا تصمیم گیری کند و بدین سان در جهت عدالت قضایی گام برداشته شود. عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شده و نظام دادگستری به شکل کارآمدی فعالیت کند. برای رسیدن به عدالت قضایی، علاوه بر وجود قضات باتجربه و با دانش به حضور وکلای متعهد و باتجربه هم نیازمند است. عدالت قضایی تا جایی مهم است که قانونگذاران کشورها اقدام به جرم انگاری اعمالی نموده اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد می نماید. جرایمی که در روند عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می کنند و آن را کند نموده یا مانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند، نیز همواره مورد توجه متولیان سیستم عدالت کیفری بوده است؛ به گونه ای که برخی کشورها فصلی را در قانون جزای خود به این جرایم اختصاص داده اند.

کارکرد سنتی وکیل تنها دفاع از حقوق موکل در سراسر فرآیند کیفری، در صورت فراهم شدن دفاع توسط مقام قضایی است. اما امروزه این کارکرد تحت تأثیر جنبش های نوپدید عدالت کیفری تا اندازه ای تغییر کرده است تا عدالت قضایی که ارتباط مستقیمی با اجرای قانون دارد به شکل موثرتری اعمال گردد. امروزه کاردهای گوناگونی برای نقش وکیل در پرونده های کیفری جهت تحقق عدالت قضایی متصور شده اند که با بکارگیری آنها می توان به صورت موثرتری در جهت عدالت قضایی گام برداشت. وکیل هنگام تدوین لایحه دفاعیه با شناسایی مشکلات ناشی از رویه ها و سیاست های جاری قضایی می تواند پیشنهادهای اصلاحی خود را به صورت مستدل ارائه دهد. از طرف دیگر، وکیل در همه عرصه ها در چارچوب اختیاراتی که دارد، می تواند به نمایندگی از موکل در جهت منافع و مصالح وی اقدام نماید. این کارکرد جانشینی - دفاعی وکیل در صورتی که وکیل به صورت متعهدانه عمل نماید می تواند به پیشبرد عدالت قضایی در پرونده های کیفری گردد. همچنین، آگاه سازی موکل توسط وکیل سبب می شود تا موکل با در نظر گرفتن کلیه ابعاد در راستای اقامه دعوای کیفری و پاسخ دهی به آن گام بردارد و این کارکرد وکیل نیز در راستای عدالت قضایی بسیار مثرتر می تواند واقع گردد. در نهایت، امروزه نظام عدالت کیفری تحت تأثیر رویکردهای جدید جنبه سازشی - ترمیمی پیدا کرده و به شکل های مختلف در عرصه عدالت قضایی و کیفری نمایان گردیده است. همین تغییر جهت، در عرصه عدالت کیفری به ایجاد تحول در زمینه کارکرد وکیل، در این قلمرو انجامیده است. به این صورت که دیگر وکیل نباید فقط به دنبال تلاش در جهت اثبات بزهکاری و به کیفر رسانیدن مجرم باشد، بلکه باید با رویکردی جدید به برقراری سازش میان طرفین دعوای کیفری مبادرت ورزد.

در نهایت نتایج استخراج عوامل و اولویت بندی آنها بر اساس دیدگاه متخصصین حاکی از آنست که "نظارت بر حسن اجرای قوانین طی فرآیند قضاوت جهت تضمین حسن اجرای قوانین و حفظ حقوق متهم (A)" با بالاترین امتیاز (۰/۹۹۵) به عنوان برجسته ترین عامل و نقش وکیل مدافع در جهت تحقق عدالت قضایی در پرونده های کیفری مشخص شد. همچنین عامل "کمک به قضات در صدور رای مبتنی بر مستندات قانونی بر اساس تبیین نظام حقوقی در مقابل ادعاها (M)" نیز با (۰/۹۸۱) به عنوان عامل دوم از لحاظ تأثیرگذاری انتخاب گردید.

## منابع

- (۱) اسدی، لیلا (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن، فقه و حقوق خانواده، مجله تعالی حقوق، شماره ۳۷ و ۳۸.
- (۲) آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، آیین دادرسی مدنی، چاپ سیزدهم، انتشارات طبع و نشر.
- (۳) بولک، برنارد (۱۳۸۴)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران.
- (۴) تجارزادگان، فتح اله؛ مسعودیان، مصطفی (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران، فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم، سال اول، شماره سوم.
- (۵) تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۹)، عدالت و احسان در قرآن، مجله گلستان قرآن، شماره یازدهم.
- (۶) جعفری، فریدون؛ موسوی، سیدرویا (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه های محاکم کیفری بین المللی، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۲۵-۵۲.
- (۷) فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمدباقر (۱۳۸۸)، رعایت موازین قانونی در فرایند تحقیقات پلیسی: سازوکار درون سازمانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۱، سال ۴.
- (۸) فضائی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، چاپ دوم، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران.
- (۹) کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- (۱۰) کوشا، جعفر (۱۳۸۹)، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- (۱۱) گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۲)، سازمانهای غیردولتی: ابزارهای کارآمد ارتقای حقوق بشر، در حقوق بشر و چشم اندازها، چاپ نخست، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۲) مهدوی پور، اعظم؛ تقیبی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵)، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در دادرسی مراجع کیفری؛ مظهری از حقوق شهروندی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۵۷-۱۷۵.
- (۱۳) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، حقوق بزه دیدگان: از فراموشی نظری تا پیگیری بین المللی (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۱۰-۷۲.
- (۱۴) نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۶)، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۵، صص ۹۴-۱۱۸.
- (۱۵) نیازپور، امیر (۱۳۹۰)، وکیل در قلمرو عدالت کیفری: بنیانها و کارکردها، پژوهشنامه حقوقی، سال دوم، شماره اول، ۱۲۷-۱۴۲.
- (۱۶) هاشمی، سید محمد (۱۳۹۷)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
- (۱۷) همراهی، راضیه؛ حسن پور، جمیل؛ صدیق، میرابراهیم (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در پنج کشور امریکا، آلمان، آلبانی، ایران و فرانسه، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه نامه پیشگیری از جرم و حقوق، صص ۴۶۱-۴۸۴.
- (18) Johnstone, Gerry (2002) Restorative justice (Ideas, values, debates), willan publishing.
- (19) Roberts, Julian. J (2000) Criminal justice in Canada a reader, hat court Brace Canada.
- (20) Tuzkaya, Gulfem, Semih O nut, Umut R., (2007), An analytic network process approach for locating undesirable facilities: an example from Istanbul, Turkey, Journal of Environmental Management, ELSEVIR, May, P 14.
- (21) Yuksel, Ihsan & Metin, Dagdeviren., (2007), Using the analytic network process (ANP) in a SWOT analysis – A case study for a textile firm.

## The role of lawyers in realizing judicial justice in criminal cases

Farhanaz Bahamin

Master of private law, Islamic Azad University of Urmia

### Abstract

Ultimately, the goal of the judicial system is judicial justice in the relations between people in society and the realization of their rights; This is where a lawyer can effectively participate in criminal cases to help the judicial system and judges in a fair trial and to help the defendant's rights and by cooperating with judges to provide all-round judicial justice, especially in criminal cases. take away Based on this, the present study was written with the aim of evaluating the role of lawyers in the realization of judicial justice in criminal cases. This research is applied in terms of its purpose and descriptive and analytical in terms of its nature. To obtain research data and extract factors, content analysis was used, and factors were prioritized based on the opinion of experts (sample community) in the process of network analysis (ANP). The results of the research show that based on this prioritization, "Monitoring the implementation of laws during the judgment process to ensure the good implementation of laws and protect the rights of the accused (A)" with the highest score (0.995) as the most prominent factor and the role of the defense lawyer. It was determined in order to achieve judicial justice in criminal cases. Also, the factor "helping judges in issuing judgments based on legal documents based on the explanation of the legal system against claims (M)" was also selected as the second most effective factor with (0.981).

Keywords: Lawyers, judicial justice, criminal case